

روش‌شناسی تأسیل اصول حاکم بر خانواده با تطبیق بر روش «اکتشاف»

شهید صدر

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

فاطمه محمدقلی‌ها^۱

صدیقه مهدوی کنی^۲

محدثه نقی‌زاده خواجه‌کینی^۳

DOI: 10.30497/flj.2022.242752.1777

چکیده

بررسی‌هایی که تا کنون در خصوص اصول حاکم بر خانواده صورت گرفته، اغلب پیرامون تبیین مصادیق بوده است، بدون اینکه مفهوم اصل، حکومت و روش استنباط این اصول از آیات و روایات تبیین شود. از آنجا که هر استنباطی نیازمند تبیین روش است، در این پژوهش، بر آنیم تا با تطبیق مبانی و استفاده از قواعد و اصول روش «اکتشاف» شهید صدر در کتاب «اقتصادنا»، که نظریه نوینی در ارائه مکتب اقتصادی محسوب می‌شود، به تبیین روش‌ها و سازوکارهای استنباط اصول حاکم بر خانواده از آیات و روایات با روش توصیفی — تحلیلی بپردازیم. مهم‌ترین سازوکارهای روش اکتشاف که در این تحقیق بررسی می‌شوند، عبارت‌اند از: تکرار و تأکید شارع، خطابات جمعی در استعمال الفاظ عام، کشف ملاکات احکام و روش استقرا. اعتبارسنجی ابزارهای این استنباط در حوزه خانواده، موجب اعتباردهی بیشتر به اصول مکتشف می‌گردد که این اصول امروزه در سیاست‌گذاری‌ها، قانون‌گذاری و اجرا در مسائل فقهی — حقوقی خانواده بسیار مورد توجه‌اند؛ زیرا اولاً روش اجتهاد اصولیان با حفظ چارچوب سنتی نیازمند توسعه و تکامل است و باید علاوه بر قواعد اجتهادی که عمدتاً ناظر به جنبه‌های فردی است، به روش دستیابی به احکام اجتماعی و فقه حکومتی و احکام مستنبط از گزاره‌های اخلاقی نیز توجه شود؛ ثانیاً این اصول جهت‌گیری کلان یک نظام را نشان می‌دهد و به‌جای بیان یک حکم و شناخت جزء‌جزء آنها، از چیستی یا چرایی احکام سخن می‌گوید و در صورت تعارض با تک‌گزاره‌ها، بر آنها حاکمیت دارد.

کلیدواژه‌ها

اصل حکومت، اصول حاکم بر خانواده، نظام جامع معرفتی اسلام، روش اکتشاف، شهید صدر.

۱. (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری حقوق خصوصی موسسه عالی آموزش پژوهش مدیریت و برنامه

f.mohamadgholiha.90@gmail.com

ریزی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی. دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. s.mahdavikani@isu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد حقوق خانواده. دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

mohadeseh.naghizadeh75@gmail.com

مقدمه

اصول حاکم بر خانواده گزاره‌هایی عام هستند که جهت‌گیری‌های کلان نظام معرفتی اسلام در حوزه خانواده را نشان می‌دهند (مهدوی کنی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۱) و بر تمام گزاره‌های فرعی خرده‌نظام اخلاقی و حقوقی، نظارتی بنیادین، پلیدار و مبنایی دارند و با هیچ فرعی قابل تقیید یا تخصیص نمی‌باشند. از سوی دیگر، تحقیق در هر علمی باید براساس روش تحقیق مناسب با آن علم صورت پذیرد تا نتایج علمی قابل قبولی به دست آید. «اصول حاکم بر خانواده» نیز بخشی از فهم دینی ما از نظام معرفتی اسلام بوده که خود نیازمند روش‌شناسی اجتهادی است. تا کنون روش‌های اجتهاد سنتی حداکثر متکفل شناخت گزاره‌های جزئی بوده است و لذا در استنباط‌های نظام‌مند، مثل استنباط اصول حاکم بر خانواده، طبعاً باید روش‌های مناسب را بر روش اجتهادی کنونی افزود.

در پژوهش حاضر، فرآیند شناسایی اصول یادشده فرآیند «اکتشاف» یا «حرکت از روبنا به زیربنا» نام دارد که منطبق با نظریه‌ای است که آن را شهید صدر در زمینه اقتصاد معرفتی کرده است. ایشان این فرآیند را مهم‌ترین سیر حرکتی در تحقیق اقتصاد اسلامی می‌دانند. با توجه به نظر شهید صدر، اگرچه مجموعه گزاره‌های معرفتی اسلام در «نفس الامر»، دارای ساختاری نظام‌مندند، اما اصول که جهت‌گیری‌های کلی این نظام و موضع‌گیری‌ها را نشان می‌دهند، در هیچ کدام از متون دینی به صورت طبقه‌بندی‌شده و منظم تبیین نشده‌اند؛ اما چون احکام الهی، اعم از احکام فقهی و اخلاقی‌ای که در چارچوب خرده‌نظام‌های ارزشی و حقوقی قرار می‌گیرند، «تجسم» این بنیان‌ها و جهت‌گیری‌ها و به عبارت ما «اصول» می‌باشند، می‌توان از طریق این گزاره‌ها، به اصولی منسجم در همه حوزه‌ها، از جمله حوزه خانواده دست یافت. به همین دلیل هم، شهید صدر این فرآیند را «اکتشاف» نام‌گذاری می‌کند. به عقیده ما، مسیر حرکت و کلی استنباط اصول حاکم بر خانواده نیز فرآیند «اکتشاف» یا حرکت از «روبنا به زیربنا» است؛ یعنی با استفاده از تک‌گزاره‌های آیات، روایات فقهی و اخلاقی و فتاوی فقهی که «روبنا»ی نظام کلان معرفتی اسلام را در حوزه خانواده تشکیل می‌دهند، به «زیربنا» یعنی

اصول حاکم بر خانواده دست یافت. این روش‌ها علاوه بر روش‌های کلی استنباط (مثل استفاده از نص، اطلاق، عموم، مفهوم و ظهور آیات و روایات، تنقیح مناط، استناد به دلیل عقلی، اجماع، سیره عقلا و سیره متشرعه)، به صورت خاص در حوزه خانواده تکرار و تأکید شارع، خطابات جمعی در استعمال الفاظ عام، کشف ملاکات احکام و روش استقرا هم می‌باشند (سبحانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷ و ۱۰۸). ما در این مقال، درصدد استنباط برخی از اصول حاکم بر خانواده با استفاده از این روش‌های جزئی جهت توسعه روش اجتهاد می‌باشیم.

از لحاظ پیشینه پژوهشی، قابل ذکر است که پژوهش‌هایی در زمینه تبیین یا نقد نظریه شهید صدر در علم اقتصاد صورت گرفته،^۱ لیکن تا کنون در زمینه تسری آن به سایر عرصه‌های علوم انسانی، کمتر مورد توجه واقع شده و در زمینه کاربری این روش در استنباط اصول حاکم بر خانواده، نظریه‌ای نوین است. نظریه شهید صدر به دنبال کاربری فقه در تمام عرصه‌های زیستی و قلمروهای کلان حیات بشری است. قرآن نیز با روشی واحد، در ابواب مختلف نازل شده است و قابل استنباط می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد می‌توان در عرصه استنباط اصول کلان حاکم بر نهاد خانواده نیز، که نیازمند نگاهی فراتر از گزاره‌های جزئی و فقه فردی است، از این روش بهره جست.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱. روش‌شناسی^۲

واژه «روش» از لغت «method» است که از واژه یونانی «متا» به معنای «در طول» و «اودوس» به معنی «راه»، گرفته شده و مفهوم آن در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است (کاظمی، ۱۳۷۴، ص ۲۸ و ۲۹). در اصطلاح نیز، از روش‌شناسی، تعاریف مختلفی صورت گرفته است: برخی روش‌شناسی را به معنای شناخت ابزار دانسته‌اند. در این صورت، می‌توان روش را به حوزه معین معرفتی نسبت داد؛ مثل روش تاریخ که اشاره

۱. برای نمونه ر.ک. میرمعزی و نظریان مفید، ۱۳۹۸، ص ۲۹-۵؛ شریفی، ۱۳۹۷، ص ۲۵-۷.

به همین معنا دارد (گلابی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۳). برخی دیگر آن را به معنای پایه‌های نظری مکتب معین فلسفی و بررسی زیرساخت‌ها و مفاهیم می‌دانند (وزیری، ۱۳۸۷، ص ۱۲) و گروهی روش‌شناسی را به علمی که در آن روش دستیابی به معرفت بررسی می‌شود، اطلاق می‌کنند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۷ و ۸).

آنچه در این پژوهش مد نظر است، روش‌شناسی به معنای شناخت فنون و راه‌های تحصیل معرفت در یک حوزه معین، یعنی «اصل تحکیم خانواده» است. لذا روش‌شناسی در این معنا باعث فهم معیارهای صحیح کشف معرفت از منابع مربوط در هر علمی می‌شود.

۲. اصل

اصل یک لفظ مترادف است که دارای چند معنای اصطلاحی می‌باشد: الف. اصل به معنای یک راهکار عملی در مواضع بن‌بست‌های استنباطی که در اصطلاح خاص فقهی به «اصول عملیه» تعبیر می‌شود؛^۱ ب. اصل به معنای قاعده که خود از «فروع فقهیه» محسوب می‌شود، اما شمولیت دارد و همچون کبرای قیاسات منطقی، فروع متعددی را شامل می‌شود (رجحان، ۱۳۹۱، ص ۲۸)؛ ج. اصل به معنای قاعده‌ای منطقی در شیوه استنباط و اجتهاد فقهی (همان‌جا)؛ د. اصل به معنای گزاره‌هایی که جهت‌گیری‌های اصلی نظام را توضیح می‌دهد و از چپستی و چرایی احکام آن یا موضع‌گیری‌ها سخن می‌گوید؛ به بیانی دیگر، به فلسفه یا حکمت آموزه‌های هر نظام معرفتی می‌پردازد (مهدوی کنی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۱).

در تعریف سوم، کاربرد استفاده از این اصول مورد توجه قرار گرفته و در تعریف چهارم، نحوه استخراج آن بیان شده است. هر امر نظام‌مندی دارای اصولی است که شناخت آن به آسانی شناخت گزاره‌های داخلی یک نظام نیست؛ ولی امکان شناسایی آنها در صورت تصریح و تأکید یا تکرار مصادیق و گاه از طریق تبیین مجموعه‌ای از گزاره‌های موجود در آن

۱. اصول عملیه که به آن دلیل فقهی هم گفته می‌شود، اصولی است که شارع مقدس آنها را برای رهایی مکلف از شک در حکم واقعی شرعی مقرر کرده است

امکان‌پذیر می‌باشد. به عبارتی دیگر، بعضی از اصول به‌صراحت از مفاهیم موجود در آن نظام قابل استخراج هستند و بعضی دیگر از مجموعه گزاره‌ها و لابه‌لای مفاهیم قابل فهم می‌باشند که با پذیرفتن آنها می‌توان مجموعه‌ای از گزاره‌های آن نظام را قاعده‌مند کرد (سبحانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶—۱۰۸) و از کنار هم چیدن تک‌گزاره‌های قرآنی حول یک موضوع می‌توان به یک اصل پشت پرده دست یافت. آنچه در این پژوهش از «اصل»، در «اصل تحکیم خانواده» مد نظر نویسنده است، اصل به معنای چهارم می‌باشد. این اصول، حقوقی — اعتباری و مبتنی بر اصول تکوینی است که گاه به‌طور مستقیم از منبع وحی گرفته می‌شوند و گاه از مجموعه احکام دیگر منتزع می‌شوند و مسائل کلی هستند که بسیاری از احکام جزئی مبتنی بر این اصول است (مهدوی کنی، ۱۴۰۰، ص ۹۷ و ۹۸).

۳. حکومت

حکومت در علم اصول به معنای نظارت یک دلیل بر دیگری به‌منظور تفسیر آن است. دلیل حاکم، موضوع، متعلق و حکم دلیل محکوم را توسیع یا تضییق می‌کند. این نظارت و تفسیر می‌تواند به‌صورت توسعه یا تضییق باشد^۱ (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۴). اما آنچه مقصود از حکومت در پژوهش حاضر است، به هیچ وجه، حکومت به مفهوم اصولی آن نیست؛ بلکه مقصود از واژه «حکومت» در عبارت «اصول حاکم بر خانواده»، «نظارت بنیادین، مبنایی و پایدار» این اصول نسبت به کلیه گزاره‌های فرعی است که در این صورت، به معنای لغوی حکومت نزدیک می‌باشد. لذا حاکم بودن این اصول بر روابط خانوادگی به معنای غیرقابل تخصیص یا تقیید بودن این اصول توسط فروع می‌باشد. چنین تعبیری از حکومت با مفهومی که برخی نویسندگان حوزه خانواده در تعبیر از «اصول حاکم بر خانواده» داشته‌اند بیگانه نیست و در این آثار، اشاراتی به مفهوم حاکم در عبارت اصول حاکم بر خانواده دیده

۱. مانند اینکه دلیلی بگوید که خمر حرام است و دلیل دیگر بگوید هر مسکری خمر است. در اینجا دلیل دوم که ناظر به دلیل اول است و برای بیان و تفسیر آن وارد شده، دایره موضوع دلیل اول را توسعه داده است.

می‌شود.^۱

۴. نظام جامع معرفتی اسلام

در این اصطلاح خاص، منظور از نظام، یک «سیستم معرفتی» است که متشکل از مجموعه‌ای متناسب و متناسق از گزاره‌ها می‌باشد که در تعامل با یکدیگر و در پیوندی متقابل و متوازن، به تفسیر هماهنگ مجموعه‌ای از پدیده‌ها می‌پردازند و آدمی را به موضع‌گیری هدفمند دعوت می‌کنند. هر نظامی متشکل از خرده‌نظام‌هایی است که کوچک و محدود هستند، ولی ویژگی‌های یک نظام کلان را دارند. بین این خرده‌نظام‌ها با یکدیگر و بین هر خرده‌نظام با نظام کلان پیوستگی لازم وجود دارد و همه جهت‌گیری‌ها در نظام کوچک‌تر و در خدمت جهت‌گیری‌های کلان نظام اصلی می‌باشد (سبحانی، ۱۳۸۲، ص ۶۴—۹۹). در این پژوهش، نظام معرفتی اسلام که از سه خرده‌نظام توصیفی (تکوینی)، اخلاقی (ارزشی) و تکلیفی — حقوقی (مهدوی کنی، ۱۳۸۸، ص ۳۳) و مبتنی بر هم شکل گرفته است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵. اصول حاکم بر نهاد خانواده

نویسندگان حقوق خانواده عموماً تعریفی کلی از اصول حاکم بر خانواده ارائه نکرده‌اند و به ذکر مصادیق بسنده نموده‌اند: اصل مودت و رحمت، اصل معروف، اصل عدالت و مساوات، اصل تقدم اخلاق بر حقوق، اصل تحکیم خانواده، اصل مصلحت، اصل خصوصی بودن حریم خانواده، اصل کرامت، اصل تعلیم و تربیت، اصل اطاعت و احترام، اصل ثبات و امنیت و عفاف (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۳۹؛ مهدوی کنی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۵). در پژوهش حاضر، اصول حاکم بر خانواده گزاره‌هایی عام هستند که جهت‌گیری‌های کلان نظام معرفتی اسلام در حوزه خانواده را نشان می‌دهند و بر تمام گزاره‌های فرعی خرده‌نظام اخلاقی و حقوقی،

۱. چنان‌که در بحث جایگاه اصول حاکم بر خانواده می‌نویسند: «اصول بنیادین خانواده نشان‌دهنده این است که قانون‌گذار در مرحله قانون‌گذاری به‌صورت نظام‌مند به حقوق خانواده نگریسته است و مجموعه مقررات وضع‌شده، یک مجموعه پراکنده نیست»؛ ر.ک. حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۵.

نظارتی بنیادین، پایدار و مبنایی دارند و با هیچ فرعی، قابل تقیید یا تخصیص نمی‌باشند.

۱. روش‌شناسی استنباط اصول حاکم بر خانواده

سؤال اساسی آن است که چگونه می‌توان یک اصل را از متون دینی استخراج کرد؟ به عبارت دیگر روش‌شناسی استنباط اصول حاکم بر خانواده چیست؟ در این مبحث، به روش کلی و سازوکارهای جزئی این روش می‌پردازیم.

۱-۱. ضرورت روش‌شناسی استنباط اصول و روش‌های کلی این فرآیند

۱-۱-۱. ضرورت روش‌شناسی استنباط اصول

در یک نگرش نظام‌مند، فهم دین قاعده‌مند است و علی‌الاصول با روش اجتهادی در ابواب مختلف صورت می‌پذیرد. اصول حاکم بر خانواده نیز بخشی از فهم دینی ما از نظام معرفتی اسلام به حساب می‌آید و خود نیازمند روش‌شناسی اجتهادی است. اجتهاد در مفهوم سنتی خود با روش‌های یادشده، برای کشف اصول حاکم بر خانواده که دارای دو جنبه «کلیت» و «مبنایی» هستند و در ارتباطی معنادار درون خرده‌نظام ارزشی و حقوقی نظام معرفتی اسلام قرار دارند، کافی نیست؛ چرا که تا کنون روش‌های اجتهاد سنتی حداکثر متکفل شناخت گزاره‌های جزئی، آن هم در حوزه تکالیف و حقوق فردی، بوده است. لذا علی‌الاصول در استنباط‌های نظام‌مند مثل استنباط اصول حاکم بر خانواده، طبعاً باید روش‌های مناسب را بر روش اجتهادی کنونی افزود. همچنین باید به روش‌هایی دست یافت که توان شناخت «نسبت‌ها» و «جهت‌گیری‌ها» را داشته باشد؛ چرا که برای کشف یک اصل کلان با ویژگی کلیت و بنیادین بودن، باید گذشته از شناخت گزاره‌ها، نسبت میان آنها و شناخت جهت‌گیری را نیز مد نظر قرار داد. لذا به نظر می‌رسد علی‌الاصول با استفاده از نص، ظاهر، مفهوم، اطلاق یا عموم یک گروه آیه یا روایت به‌عنوان گزاره‌ای جزئی از درون یک نظام کلان معرفتی، نمی‌توان به کشف یک اصل حاکم که نمایانگر جهت‌گیری کلی آن نظام معرفتی است، نایل شد؛ چرا که «اصل» حاصل کشف ارتباط میان مجموعه‌ای منسجم، هماهنگ و سازوار از گزاره‌ها درون خرده‌نظام‌های ارزشی و حقوقی نظام معرفتی است؛ به نظر نگارندگان، براساس آنچه تا کنون در خصوص نظام کلان معرفتی دین و به‌هم‌پیوستگی و ارتباطات خرده‌نظام‌های

فرعی آن بیان شد، ملاکات اصول بر خلاف ملاکات احکام، یک مصلحت مستتر در یک گزاره به صورت «فرداً واحداً» نیست؛ بلکه مصلحتی کلان در قالب نگرشی کل گرایانه و نظام مند است؛ منتها در مرحله اعلام، چاره‌ای نبوده است جز اینکه این محتواهای کلان (اصول) در قالب‌هایی خرد به صورت تک گزاره‌هایی مستقل، بعضاً پراکنده، در طی سالیان^۱ و به صورت تدریجی بیان شوند؛ از این رو، اصول حاکم بر خانواده یا در لابه‌لای معارف در پرده مطرح شده یا به صورت مصداقی بیان گردیده‌اند؛ اما طبیعی است هنگامی که بنا باشد دین در عرصه‌های کلان ایفای نقش کند، حتی الامکان همه مناسبات در قالب یک نظام کلان مورد شناسایی قرار گیرند. لذا محقق در کشف اصول حاکم بر خانواده «به لحاظ روش باید حرکتی معکوس نسبت به حرکت اجتهادی اصطلاحی در فقه موجود، داشته باشد» (رجحان، ۱۳۹۰، ص ۲۳) تا به جای تفریع، اصول حاکم بر روابط خانواده را کشف نماید. بر این اساس، ماهیت این اصول گزاره‌های اعتباری است که واضع آن «الله» می‌باشد و می‌توان از آنها به «قانون اساسی الهی» در حوزه خانواده تعبیر نمود که قرآن کریم و سنت معصومین^(ع) اعلام کننده آنها می‌باشند.

۱-۱-۲. روش‌های کلی استنباط اصول حاکم بر خانواده

در پژوهش حاضر، فرآیند شناسایی اصول یادشده، فرآیند «اکتشاف» یا «حرکت از روبنا به زیربنا» نام دارد که دقیقاً منطبق با نظریه نوینی است که در زمینه اقتصاد، شهید آیت‌الله صدر آن را معرفی می‌کند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۳۶۱-۳۶۵) و قابل تعمیم به حوزه‌های دیگر معرفتی اسلام اعم از گزاره‌های توصیفی و تجویزی می‌باشد.

۱-۱-۲-۱. فرآیند تکوین و ابداع (حرکت از زیربنا به روبنا)

مذهب اقتصادی نتیجه طبیعی نوع نگاه محقق اقتصادی به عالم هستی و مقوله‌های اساسی آن است؛ یعنی هر محقق اقتصادی براساس دیدگاهش درباره عالم هستی، تلقی خود را از آنها

۱. اشاره به نزول تدریجی قرآن و مدت زمان صدور کلام مستقیم از ائمه اطهار علیهم السلام در قالب روایات است.

سامان می‌دهد و بر پایه آنها، مذهب اقتصادی خود را استنباط می‌کند و مترتب بر مذهب اقتصادی، احکام و قوانین اقتصادی را برای فعالیت‌های اقتصادی خرد و کلان وضع می‌نماید. بنابراین در روش تکوین و ابداع، حرکت علمی و تحقیقی از بنیان‌ها و زیربنایها به فروع و روبناهاست؛ حرکت از مرحله نظریات و مفاهیم اساسی اخلاقی، فلسفی، علمی و ... به مذهب اقتصادی است (همان، ص ۳۶۹-۳۷۲).^۱

۲-۱-۱. فرآیند اکتشاف (حرکت از روبنا به زیربنا)

محقق اقتصاد اسلامی با جمع‌آوری احکام و قوانین مدنی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و تنظیم آنها می‌تواند به قواعد و طرقی دست یابد که مشکلات اقتصادی را مطابق با اندیشه عدالت حل کند. البته محقق از این طریق می‌تواند بخش اعظم مذهب اقتصادی را به دست آورد.

شهید صدر فرآیند اکتشاف و تکوین را چنین مقایسه می‌کند: «حرکت در فرآیند ساختن ساختمان، حرکت طبیعی از پایه به فروع و از زیربنا به روبناست...؛ اما در فرآیند اکتشاف مذهب اقتصاد اسلامی، حرکت بر عکس و نقطه شروع بر خلاف فرآیند تکوین است»^۲ (همان، ص ۳۶۹). با توجه به اینکه شهید صدر مسیر طبیعی کشف مذهب اقتصادی را فرآیند تکوین یا حرکت از زیربنا می‌داند، چرا فرآیند اکتشاف را برای دستیابی به مذهب اقتصادی اسلام پیشنهاد می‌کند؟ پاسخ این پرسش از نوشته‌های شهید صدر چنین است: «نصوص موجود در کتب روایی

۱. به‌عنوان نمونه، مذهب اقتصادی مارکسیسم براساس دیدگاه مارکس درباره ماتریالیسم تاریخی شکل گرفت و مارکس براساس این دیدگاه به الغای مالکیت خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی معتقد شد و اعلام کرد که هرکس باید بر حسب قدرت خودکار خود و به قدر نیاز خود بهره‌بردار. بر عکس مارکسیسم، در نظام سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی و آزادی اقتصادی دو رکن اساسی مکتب اقتصادی است که براساس تفسیری که از انسان یا جامعه دارد، شکل گرفته است. بنابراین محقق در نظام اقتصادی مارکسیسم و سرمایه‌داری لیبرال باید از فرآیند تکوین و ابداع برای کشف مذهب اقتصادی خود بهره‌بردار؛ ر.ک. صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۲۶۶-۲۶۷.

۲. «تدرج فی عملیه تکوین البناء، تدرج الطبیعی من الاساس إلى التفریعات، و من القاعده إلى بناء العلوی... و اما فی عملیه الاکتشاف المذهب الاقتصادي، فقد ینعکس السیر و یختلف المنطق».

منبع اصلی استنباط و استخراج مذهب اقتصادی اسلام‌اند. هنگام مراجعه مستقیم به نصوص برای یافتن پاسخ‌های اساسی درباره مذهب اقتصادی می‌بینیم که نمی‌توان مستقیماً پاسخ‌ها را در نصوص یافت؛ مثلاً برای پاسخ این پرسش که اسلام مالکیت خصوصی را پذیرفته یا مالکیت عمومی را یا منشأ مالکیت خصوصی نیاز است یا کار یا آزادی، نمی‌توان از نصوص موجود پاسخ روشنی یافت. شهید صدر می‌نویسد: «استنباط برخی ابعاد مذهب اقتصادی اسلام به گونه مستقیم از نصوص ممکن است، اما در بسیاری از نظریات و اندیشه‌های اساسی که مذهب اقتصادی از آنها سامان می‌یابد، به گونه مستقیم امکان دستیابی به آنها نیست. پس از طریق غیرمستقیم، یعنی بر پایه سنگ‌بنای فوقانی در عرصه اسلامی و با توجه به احکامی که اسلام عقود و حقوق را بر پایه آنها نظم داده است، به این موضوع باید پرداخت»^۱ (همان، ص ۳۷۱ و ۳۷۲). با توجه به نظر شهید صدر، اگرچه مجموعه گزاره‌های معرفتی اسلام در «نفس الامر» دارای ساختاری نظام‌مند هستند، مبانی که جهت‌گیری‌های کلی این نظام و موضع‌گیری‌ها را نشان می‌دهند، در هیچ کدام از متون دینی به صورت طبقه‌بندی شده و منظم تبیین نشده‌اند. اما چون احکام الهی اعم از احکام فقهی و اخلاقی‌ای که در چارچوب خرده‌نظام‌های ارزشی و حقوقی قرار می‌گیرند، «تجسم» این بنیان‌ها و جهت‌گیری‌ها و به عبارت ما «اصول» می‌باشند، می‌توان از طریق این گزاره‌ها، به اصولی منسجم در همه حوزه‌ها، از جمله حوزه خانواده دست یافت. به همین دلیل هم، شهید صدر این فرآیند را «اکتشاف» نام‌گذاری می‌کند؛ زیرا از طریق احکام، که به تعبیر ایشان روبنا هستند، به کشف قواعد و اصول منسجم دینی در زمینه اقتصاد می‌رسد.

همچنین شهید صدر براساس مقدماتی به این نتیجه می‌رسد که اسلام در عالم واقع، دارای

۱. «الآن بعض جوانب المذهب الاقتصادي في الإسلام، وإن كان بالإمكان استنباطها مباشرة من النصوص، و لكن هناك من النظريات و الأفكار الأساسية، التي يتكون منها المذهب الاقتصادي، ليس من الميسور الحصول عليها في النصوص مباشرة، وإنما يتعين الحصول عليها بطريق غير مباشر، أي، على أساس اللبنة الفوقية في الصرح الإسلامي، و على هدى الأحكام التي نظم بها الإسلام العقود و الحقوق».

تفکری منسجم است که تبلور آن را می‌توان در احکام مشاهده کرد. احکام واقعی چنین ویژگی‌ای دارند؛ اما احکام اجتهادی که از روش اجتهاد به دست می‌آیند، ممکن است در برخی موارد از انسجام برخوردار نباشند. شهید صدر برخی از دلایل بی‌انسجامی در احکام اجتهادی را در تفاوت روش فهم نصوص، تفاوت روش در برخورد با ادله معارض و قواعد و روش‌های کلی تفکر مجتهد برمی‌شمرد (همان، ۳۹۴-۳۹۶). امور یادشده درجه خطاپذیری اجتهاد را بالا می‌برد و انسجام نداشتن احکام را نیز تعیین می‌کند.^۱

شهید صدر در خصوص امکان بنای مکتب اقتصادی اسلامی، به تبیین و تفکیک دو جنبه در پژوهشگر می‌پردازد: اولین جنبه، اجتهاد است؛ به دلیل اینکه در دستیابی به احکام، اجتهاد نیاز است و لذا در این جنبه، باید موازین مشخصی را رعایت کرد. از این طریق، گزاره‌هایی استنباط می‌شوند که اگرچه ممکن است با همدیگر همخوانی لازم را نداشته باشند، همه آنها از اعتبار شرعی برخوردارند؛ جنبه دوم، اکتشاف مکتب است. در این مرحله، باید به انسجام احکام برای دستیابی به مکتب اندیشید. بر این اساس، هرگاه پژوهشگر مجموعه اجتهادات خویش را درباره عامل مالکیت بررسی کند و ملاحظه نماید که همه اجتهادات به این نکته می‌انجامد که کار عامل مالکیت است، اما در این میان، حکمی استثنایی یافته است، در این صورت، به‌عنوان مکتشف می‌تواند از دیگر فتاوایی که سایر فقها دارند، فتوایی مناسب با سایر

۱. شهید صدر به ضرورت تفکر منسجم دینی در عرصه‌های مختلف اجتماعی معتقد است و راه کشف آنها را احکام واقعی می‌داند. سپس ایشان به دلیل دسترسی نداشتن به احکام واقعی، احکام اجتهادی را به‌عنوان بدیل و جایگزین طرح می‌کند. نکته مهم این است که احکام واقعی و احکام اجتهادی با هم تفاوت اساسی دارند. بنابر تفکر شیعه، احکام الهی ملاک‌های واقعی دارند. لذا اگر فعلی حرام باشد، به این دلیل است که مفسده ملزمه دارد و اگر فعلی واجب شد، به این دلیل است که این فعل دارای مصلحت ملزمه است. بر این اساس، عمل به این احکام، سعادت دنیوی و اخروی را به همراه دارد؛ زیرا عمل به این احکام باعث می‌شود ما از مفسد دور شویم و به مصالح دست یابیم. از این جهت، با فرض صحت مبانی معرفت‌شناختی شهید صدر درباره گستره قلمرو دین، اجتماعی سالم شکل می‌گیرد؛ اما ماهیت احکام اجتهادی، به گونه دیگری است. ما چون خود را مکلف به احکامی می‌دانیم که در روز جزا از آنها پرسیده می‌شود، لذا از طریق اجتهاد، تلاش می‌کنیم که به آن احکام دست یابیم. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. صدر، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۲۸-۲۴.

فتاوی خویش برگزیند؛ زیرا در این مرحله، گام را از جنبه عملی احکام فراتر نهاده و به جنبه نظری رسیده است. در این مرحله که عملیات کشف مکتب اقتصادی اسلام آغاز شده، لازم است که احکام مجموعه‌ای به هم پیوسته باشند. اگر از طریق اجتهاد شخصی چنین مجموعه منسجمی یافت نشد، نباید از ایمان و اعتقاد به انسجام ارزش‌های دینی دست برداشت. در این صورت، تنها راه دستیابی به مجموعه منسجمی از ارزش‌ها، استعانت از فتاوی دیگر مجتهدان است. حداقل این طرحی است که می‌تواند با واقعیت دیدگاه اسلامی نیز مطابقت داشته باشد. این امکان تطبیق با واقعیت احکام، کمتر از امکان مطابقت دیگر مجموعه احکام اجتهادی با واقعیت نیست؛ زیرا همه آنها از اجتهادات معتبر دینی به دست آمده‌اند (همان، ۴۰۰ و ۴۰۱).

درخصوص اکتشاف اصول حاکم بر خانواده، مواد خام ما فقط احکام فقهی نیستند؛ بلکه پژوهشگر در این استنباط، با مجموعه‌ای از آیات و روایات فقهی و اخلاقی مواجه است؛ چرا که دایره مواد خام در استنباط اصول حاکم بر خانواده علاوه بر گزاره‌های فقهی و حقوقی، شامل گزاره‌های اخلاقی قرآن و روایات نیز می‌باشد. درخصوص احکام فقهی حوزه خانواده، آنچه شهید صدر درخصوص جایگزینی فتاوی دیگر فقها برای تکمیل طرحی منسجم پیشنهاد می‌دهد، قابل پذیرش است. درخصوص آیات هم با مقدماتی که در علم کلام وجود دارد، بی‌شک تمام آیات قرآن در دسترس ما قرار دارند. لذا اشکال طرح شده فقط در مورد روایات باقی می‌ماند و آن اینکه یقیناً تمامی روایات حوزه خانواده به دست پژوهشگر نرسیده است و از این رو، کشف او لزوماً معتبر نخواهد بود؛ زیرا چه بسا روایاتی بر خلاف روایات موجود از معصومین^(ع) صادر شده باشد که در نتیجه، این کشف را ناصحیح و غیرمعتبر می‌کند؛ ولی چون به دست ما نرسیده‌اند، بایست کشف مذکور را معتبر بدانیم. در پاسخ باید گفت که به نظر می‌رسد همین تعداد از روایات در مواردی دارای تواتر لفظی، معنوی و حتی اجمالی^۱ می‌باشند. با داشتن نگرشی کلان و نظام‌مند و با وجود گزاره‌هایی که مجموعاً یک موضع‌گیری

۱. درباره اصل وجود تواتر اجمالی اختلاف وجود دارد؛ برای مطالعه بیشتر درخصوص تواتر و اقسام آن، ر.ک. صدر، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۵-۱۳۸؛ آخوند خراسانی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۳۹ و ۳۴۷.

را نشان می‌دهند، لزومی به در دست داشتن تک‌تک گزاره‌ها در فرآیند اکتشاف دیده نمی‌شود؛ چرا که ما در اکتشاف خود، قصد نیل به مجموعه اصولی را که جهت‌گیری‌های کلی نظام کلان معرفتی اسلام در حوزه خانواده هستند، داریم. نگرش نظام‌مند به مجموعه این گزاره‌ها، شناسایی «حوزه خانواده» به‌مثابه یک «کل» است و لازمه این نگرش در دست داشتن یکایک گزاره‌های نفس‌الامری نظام معرفتی اسلام نیست. حتی اگر گزاره‌ای به دست ما نرسیده ولی گزاره‌های موجود ظن معتبر برای ما ایجاد کند، این ظن معتبر، حجیت خواهد داشت؛ چرا که ما در استنباط حکم شرعی به دنبال حجیت هستیم.

باید به این نکته توجه نمود که تا کنون، روش متداول اندیشمندان، در مقام حل مسائل و تحقیق و تتبع، شیوه «تجزیه و تحلیل» بوده که با «خرد» نمودن یک «کل»، مسیر استنباط یا حل مسائل را می‌پیمودند. مبنای پذیرش این روش، این است که «کل» برابر است با مجموع اجزا؛ اما این مبنا فقط در مواردی که «کل» از نوع مرکب غیرنظام‌مند است، قابل‌پذیرش می‌باشد و در مواردی که ما قصد داریم کل نظام‌مندی مثل اصول حاکم بر خانواده را استنباط نماییم، به دلیل تفاوت نگرش نظام‌مند و کل‌گرا با نگرش جزء‌نگر، با مجموع اجزا، به کل اولیه دست نخواهیم یافت؛ زیرا لازمه نگرش نظام‌مند، داشتن همه اجزا به‌صورت صد درصد نیست؛ بلکه وجود تعدادی از این اجزا که در کنار یکدیگر نشانگر جهت‌گیری‌ها و «زیربناها» باشد، برای اکتشاف و استنباط اصول حاکم بر خانواده کافی به نظر می‌رسد. از این رو، با توجه به آنچه گفته شد، اشکال یادشده مرتفع به نظر می‌رسد. بنابراین مسیر حرکت و کلی استنباط اصول حاکم بر خانواده، فرآیند «اکتشاف» یا حرکت از «روینا به زیربنا» است؛ یعنی با استفاده از آیات و روایات فقهی و اخلاقی و فتاوی فقها که روینای نظام کلان معرفتی اسلام را در حوزه خانواده تشکیل می‌دهند، به زیربنا، یعنی اصول حاکم بر خانواده دست یافت. گزاره‌های تجویزی مستنبط از آیات و روایات در چند سطح بر اصول تأثیرگذارند: ۱. کشف اصول جدید؛ ۲. اصلاح و تکمیل اصول موجود؛ ۳. تأیید یا ابطال اصول موجود در نظام معرفتی (اعرافی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۹۰).

۱-۲. روش‌های جزئی استنباط اصول حاکم بر خانواده (سازوکارهای روش اکتشاف)

در این بخش، روش تحقق و اجرایی شدن فرآیند اکتشاف در قرآن و روایات، به‌ویژه روش‌هایی که به استنباط اصول حاکم بر خانواده کمک خواهد کرد، بررسی خواهد شد؛ روش‌هایی چون تکرار و تأکید، کشف ملاک حکم، قیاس منصوص‌العله، تنقیح مناط، استقرا و ... که از این طریق، حکم شرعی استخراج می‌شود و با استفاده از این احکام و از کنار هم قرار دادن آنها، اصول حاکم قابل استنباط خواهد بود.

۱-۲-۱. تکرار و تأکید شارع

غرض از تکرار به‌عنوان یکی از فنون فصاحت (تفتازانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۲)، تأکید است (مغنیه، ۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۹۶ و ۹۷) و نتیجه تکرار و تأکید، تلقین می‌باشد که اثر آن بر روان و درون انسان‌ها غیرقابل انکار است و شاید به همین دلیل، بر تکرار عبادات، دعاها و ... در اسلام تأکید شده است (لوبون، ۱۳۸۶، ص ۶۱).

در کلام شارع مقدس نیز، به مقتضای حکمت، تکرار و تأکید در بسیاری از موضوعات دیده می‌شود؛ «سرّ لزوم تکرار در کتاب هدایت آن است که شیطان پیوسته به گمراه کردن آدمی مشغول است؛ از این رو، تکرار ارشاد و هدایت نیز ضروری است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۱ و ۵۲). از این رو، با توجه به ویژگی نسیان در انسان، تکرار و تأکید بر موضوعات مهم، یکی از روش‌های رایج عقلایی در قانون‌گذاری می‌باشد.^۱ در حوزه خانواده نیز، شارع با همین روش، درصدد اثبات وجود پاره‌ای از اصول اساسی در زندگی خانوادگی است. به‌عنوان مثال، عمل براساس «معروف»، اصلی است که از مرحله خواستگاری تا پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تال جامع علوم انسانی

۱. «...بعث فیهم رسله و اتر الیهم انبیا» لیستادوهم میثاق فطرته و ید کروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یثیروا لهم دفائن العقول...»: خداوند پیامبران خود را مبعوث فرموده و هرچندگاه متناسب با نیازهای انسان‌ها، رسولان خود را پی‌درپی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند و نعمت‌های فراموش‌شده را بازجویند و نعمت‌های فراموش‌شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی حجت را بر آنان تمام نمایند و توانایی‌های پنهان‌شده عقل‌ها را آشکار نمایند (سیدرضی، ۱۳۹۰، خطبه ۱).

زندگی مشترک همواره مورد تأکید خداوند متعال است.^۱ آیات مربوط به معروف نشان می‌دهند که شارع در صدد تأسیس یک اصل فقهی - حقوقی است. به بیان دیگر، پیام این آیات، تشریح یک حکم الزامی و ضابطه‌ای عام است؛ ضابطه‌ای که در موارد گوناگون می‌توان از آن حکم استخراج کرد و تکلیف مکلف را مشخص نمود (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۷۴). بنابراین از تکرار و تأکید شارع بر عمل براساس معروف، می‌توان اصلی به نام معروف را اکتشاف کرد که اساس و زیربنای عمل زوجین و ضابطه و ملاکی برای تعیین تکالیف در تمام مراحل زندگی زناشویی و حتی هنگام جدایی است و تکلیف خود چیز دیگری است.

۲-۲-۱. خطاب جمعی در استعمال عموم

در حوزه فقه اسلامی، متون جایگاه ویژه‌ای دارند. از آنجا که خداوند تمام مضامین دینی را در قلب الفاظ نازل کرده و پیامبر (ص) و ائمه (ع) نیز عمده تعالیم خود را با استفاده از زبان محاوره یا کتابت بیان فرموده‌اند، بنابراین یکی از شروط اساسی کشف مراد شارع، برداشت صحیح از الفاظ مورد استعمال اوست. یکی از موضوعات مباحث الفاظ «عام و خاص» و «مطلق و مقید» است. بنابراین یکی از روش‌های تأسیل در نظام قانون‌گذاری اسلام از جمله

۱. الف. در خواستگاری، آیه ۲۳۵ سوره بقره: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتُمْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا» و درباره آنچه به شما به‌طور سر بسته، از زنان در عده وفات خواستگاری کرده یا در دل پوشیده داشتید، بر شما گناهی نیست. خدا می‌داند که شما زود به یاد آنها خواهید افتاد، ولی با آنان قول و قرار پنهانی نگذارید، مگر آنکه سخنی پسندیده بگویید؛ ب. در زندگی مشترک: آیه ۱۹ سوره نساء: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا سِوَا مَا بَدَأَ بَيْنَ الْبُيُوتِ» و در مورد طلاق، آیه ۲۴۱ سوره بقره: «وَلِلْمُطَلَّقاتِ مِمَّا مَتَّعْنَ بِالْمَعْرُوفِ حَقٌّ عَلَى الْمُتَّقِينَ» و فرض است بر مردان پرهیزگار که زنان طلاق‌داده شده را به شایستگی چیزی دهند؛ د. پس از مرگ همسر، آیه ۲۳۴ سوره بقره: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» در آنچه آنان به‌نحو پسندیده درباره خود انجام دهند، گناهی بر شما نیست؛ ه. در رابطه با والدین، آیه ۱۵ سوره لقمان: «... وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا...» در دنیا به‌خوبی با آنان معاشرت کن.

در حوزه خانواده، توجه به خطابات جمعی شارع در آیات و روایاتی است که روبنای نظام معرفتی اسلام است و با بهره‌گیری از آنها می‌توان به یک اصل ثبوتی رسید. شکی نیست که برای افاده معنای عموم، الفاظ خاصی وجود دارد که دلالت بر عموم و شیوع می‌کند و این دلالت یا از طریق «وضع» است، یعنی واضح برخی از الفاظ را برای دلالت کردن بر عمومیت وضع کرده است، یا از طریق «اطلاق» و به مقتضای مقدمات حکمت است. در زبان عربی، کلماتی از قبیل «کل»، «جمع»، «اجمعین»، «ای»، «کافه»، «قاطبه»، «دائماً» و ... از طریق وضع، «نکره در سیاق نهی یا نفی»، «جمع محلی به ال» و «مفرد محلی به ال» (هرگاه الف و لام عهد نباشد)، دلالت بر عموم می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۵۸). همچنین گاهی عام بودن کلام شارع از دلالت سیاقی کلام فهمیده می‌شود؛ بدین معنی که ممکن است شارع الفاظ عموم را به کار نگرفته باشد، اما سیاق کلام افاده عموم را بنماید یا اینکه از طریق فحوای خطاب و قرینه‌سازی، اطلاق کلام به دست آید.^۱ الفاظ عامی که برشمردیم، جزء منطوق صریح کلام محسوب می‌شوند و خود لفظ مستقیماً بر آن دلالت می‌کند؛ اما گاهی عام بودن خطاب از منطوق غیرصریح که مدلول آن از لوازم کلام می‌باشد، فهمیده می‌شود. قرینه‌سازی برای اطلاق کلام نیز به این صورت انجام می‌گیرد که شارع مقدس در مقام بیان مسئله‌ای خاص بوده و با وجود امکان تقیید، هیچ کلامی مبنی بر تقیید وجود نداشته باشد.^۲ به‌عنوان مثال، در حوزه خانواده، به نظر می‌رسد به کمک خطابات جمعی و تکرار به‌کاررفته در بسیاری از آیات و روایات مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده، می‌توان به اصل کلی «تقدس بنیان خانواده»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. دلالت سیاقی از اقسام دلالت منطوقی و مقابل دلالت صریحی بوده و عبارت است از دلالتی که به‌طور مستقیم از کلام استفاده نمی‌شود، بلکه عقل آن دلالت را استنباط و برای کلام اثبات می‌کند، چه معنای مدلول مقصود گوینده باشد و چه نباشد؛ ر.ک. شهابی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۰.
۲. به‌عنوان مثال، خداوند در قرآن می‌فرماید: «ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأة فرعون...»: برای کسانی که ایمان آوردند، خداوند همسر فرعون را مثال آورده است (تحریم، ۱۱)؛ خداوند در اینجا در مقام بیان است و فرمایش خود را به‌گونه‌ای بیان می‌کند که قرینه است بر اینکه منظور او الگو بودن همسر فرعون برای مطلق مؤمنان است نه فقط زنان مؤمن.

دست یافت.^۱ بنابراین هرجایی که از الفاظ عام یا مطلق (با وجود مقدمات حکمت) و همچنین تکرار گزاره‌های مرتبط یا تکرار مصادیق استفاده شد، می‌توان یک اصل کلی را استنباط کرد که بر تمام افرادی که شامل آن می‌شوند، قابلیت انطباق دارد.

۳-۲-۱. کشف ملاکات احکام

یکی از مبانی فقه شیعه، تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی است. مصالح و مفاسد واقعیاتی در اشیا، افعال، روابط انسانی و امور متفاوت هستند که باعث می‌شوند احکام با پیوندی منطقی به آنها متصل گردند. بنابراین رابطه مصالح و مفاسد با احکام، رابطه علی و معلولی است (علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴-۱۶۸). در نتیجه، الزاماً مصالح و مفاسد از جهت علت غایی در رتبه مقدم بر احکام قرار دارند. از دیدگاه بسیاری از فقهای شیعه، عقل بشری توانایی درک مصالح و مفاسد واقعی را ندارد و نمی‌تواند به‌طور جزئی و یقینی به ملاکات احکام دست یابد.^۲ با وجود این، راه‌هایی برای کشف ملاک حکم وجود دارد که عقل با استفاده از احکام و کشف روابط میان آنها و حجیت ظواهر و قطع، قادر به درک آنهاست. این

۱. نمونه‌هایی از این آیات و روایات:

«سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا» منزه است کسی که زوج‌ها را همگی خلق کرد (یس، ۳۶)؛ «وَمَنْ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنَ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ از هر چیزی زوج خلق کردیم، شاید شما متذکر شوید (الذاریات، ۴۹)؛ قال رسول الله (ص): «كلما ازداد العبد إيماناً ازداد حباً للنساء»؛ هرگاه ایمان بنده‌ای زیاد شود، محبتش نسبت به زنش زیاد می‌شود. روی عن النبي (ص) أنه قال: «أیما امرأة سألت زوجها الطلاق من غير بائٍ لم ترح رائحة الجنة»؛ هر زنی که بدون دلیل از همسرش طلاق بخواهد، بوی بهشت به او نمی‌رسد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲، ص ۲۳۸؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۳۰۶)؛ قال رسول الله (ص): «المتزوج النائم افضل عند الله من الصائم القائم العزب»؛ زن یا مرد متأهل خوابیده، نزد خداوند از دختر و پسر مجردی که روزه‌دار و در حال عبادت باشند، بهتر است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۵۵)؛ قال ابو عبد الله (ع): «وخلق للرجال النساء لیأنسوا ویسکنوا الیهن ویکن موضع شهواتهم وامهات اولادهم»؛ ثمره خلقت زنان برای مردان آن است که مردان به واسطه زنان انس می‌گیرند و با آنان آرامش می‌یابند و نیاز جنسی خود را برآورده می‌سازند و آن همسران مادران فرزندان‌شان می‌شوند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۱۸۱).

۲. به‌عنوان مثال، مرحوم مظفر در این باره می‌نویسد: «عقل به‌گونه‌ای مستقل و ابتدایی نمی‌تواند احکام و ملاکات آن را درک کند؛ یعنی برای آن ممکن نیست بدون استماع از شارع یا ملازمه عقلیه، به آنها دست یابد. ملاکات احکام از این حیث، به‌مثابه امور مجعول از قبیل لغت‌ها، اشاره‌ها و علامت‌هاست که دانستن آنها از راه عقلی محض، چه بدیهی و چه نظری، امری است بی‌معنا. اگر خرد آدمی برخوردار از این توان بود، دیگر نیازی به برانگیختن پیامبران و نصب امان نبود؛ زیرا در این صورت، هر انسان عاقلی خود می‌توانست احکام خدا را بشناسد و با این فرض، هر مجتهدی پیامبر یا امام بود؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک. مظفر، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۰۵.

راه‌ها عبارت‌اند از قیاس منصوص‌العله، قیاس اولویت و تنقیح مناط قطعی.

۱-۲-۳-۱. قیاس منصوص‌العله

به قیاسی گفته می‌شود که علت «اصل حکم» آن از طریق نص معتبر بیان شده است. به بیان دیگر، هرگاه حکمی از راه نص معتبر در اختیار مجتهد قرار گیرد و در آن نص، علت حکم نیز به صراحت یا به اشاره بیان شده باشد و مجتهد با تشکیل قیاس، درصدد تسری حکم اصل به فرع دیگر برآید، به چنین قیاسی، قیاس منصوص‌العله می‌گویند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۱۹؛ مظفر، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۸۲).

۱-۲-۳-۲. قیاس اولویت

قیاس اولویت قیاسی است که در آن از راه اقوی بودن وجود علت (مناط حکم اصل) در فرع، حکم اصل به فرع سرایت داده می‌شود و حکم آن استنباط می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۱۹؛ مظفر، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۷۰۲).

۱-۲-۳-۳. تنقیح مناط قطعی^۱

تنقیح مناط یکی از قواعد اصول فقه است که در فرآیند استنباط، به منظور دستیابی به مناط به کار می‌رود و به طور کلی، گونه‌ای از تعمیم احکامی است که برای وقایع و موارد خاص صادر شده است و با این روش، خصوصیتی از آن واقعه یا فرد خاص شناسایی می‌شود که در

۱. تنقیح مناط عبارت است از راه‌یابی به متعلق حقیقی حکم و استخراج آن از درون نصوص به کمک قرائن. برای مثال، نماز در مقابل در گشوده مکروه است. با تنقیح مناط، می‌توان حکم کراهت را تعمیم داد تا دربرگیرنده هر مشغول‌کننده‌ای به هنگام نماز باشد (جبعی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۲۴). حجیت تنقیح مناط بر حسب اینکه تنقیح مناط ظنی باشد یا قطعی، متفاوت است. تنقیح مناط ظنی که نزد امامیه حجت نمی‌باشد، نوعی تنقیح مناط بوده که در آن، مجتهد از راه الغای بعضی خصوصیات و اوصاف موجود در مناط حکم شارع که او نسبت به عدم تأثیر آنها در حکم شارع ظن دارد، حکم وی را منقح و از اوصاف زاید تهذیب می‌کند (جناتی، ۱۳۷۰، ص ۳۰۰). تنقیح مناط قطعی، این است که در آن مجتهد از راه الغای برخی خصوصیتی که همراه مناط حکم شارع وجود دارد و او به عدم تأثیر آنها در حکم شارع یقین دارد، مناط حکم را از اوصاف زاید منقح نموده، آن را به طور قطعی به دست می‌آورد (همان، ص ۳۰۱). لذا به دلیل حجیت ذاتی قطع، تنقیح مناط قطعی بر خلاف تنقیح مناط ظنی حجت است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۲۲).

حکم تأثیرگذار نیست؛ آنگاه این خصوصیات کنار زده می‌شود و حکم به همه موارد مشابه تسری پیدا می‌کند و چنانچه به صورت قطعی باشد، حجت و معتبر است (عظیمی گرکانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷). برای دستیابی به مناط، روش‌های زیر پیش‌بینی می‌شود:

الف. شم الفقاهه: به نظر می‌رسد گستره فکری فقیه و احاطه او به مبانی فقهی و نیز پیشینه او در استنباط، قدرتی علمی به او ارزانی می‌دارد که می‌تواند مناط حکم را به دست آورد. میرزای نایینی، ضمن تأیید این مطلب مقرر می‌دارد که نمی‌توان از بیع به سایر عقود معاوضی، تعدی نمود؛ زیرا الغای خصوصیت و استظهار اینکه مناط حکم معاوضه است، به شم فقیه وابسته است (نایینی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۵۸).

ب. تناسب حکم و موضوع: ممکن است فقیه در پاره‌ای موارد، با توجه به تناسب حکم و موضوع به مناط حکم پی ببرد. مقصود از مناسبت حکم و موضوع این است که هنگام شنیدن حکمی شرعی، مناسبت و ملاک‌هایی برای شکل گرفتن این حکم به ذهن متبادر شود به گونه‌ای که به صورت امر ارتکازی عرفی درآید. این مناسبت‌ها موجب تخصیص یا تعمیم یا تضييق حکم می‌شود (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۵۷) یا در آن تغییر و تبدیل ایجاد می‌کند. به عنوان نمونه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. با سنجیدن حکم و موضوع در آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»، به نظر می‌رسد که همکاری در کار خیر مستحب است؛ تناسب بر و تقوا اقتضا می‌کند که این تعاونوا در معنای استحباب باشد نه وجوب. نمونه دیگر اینکه فقیهی بر این باور است تغییری که موجب نجاست آب می‌شود، تنها در موارد یادشده در برخی روایات (رنگ، بو و مزه) نیست؛ بلکه از مناسبت حکم و موضوع برمی‌آید که موارد یادشده در برخی روایات، از باب مثال بوده و تغییرهای دیگر را هم در بر می‌گیرد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۲۷)؛ نمونه‌ای دیگر، در روایات آمده است که نباید به شک کثیرالشک اعتنا کرد و این روایات هرچند در باب نماز وارد شده است، با کمک گرفتن از مناسبت میان حکم و موضوع، می‌توان الغای خصوصیت کرد و حکم کثیرالشک را در دیگر ابواب نیز جاری

دانست (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۹۴ و ۹۵).

ج. فهم عرفی: منظور از عرف، عرف دقیق و بدون مسامحه است؛ هرچند ملاحظات عقلی در آن لازم نیست؛ زیرا عرف عادی به هیچ وجه، توانایی درک مناط احکام را ندارد. می‌توان برای فهم عرفی به تبادر اشاره کرد (عظیمی گرگانی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۴). در بین اصولیان در اینکه عرف تا چه میزان ظهور دارد، اختلاف می‌باشد؛ اما اینکه در تشخیص موضوع تا زمانی که مخالف شرع نباشد دلالت دارد، اختلافی نیست. فقهای که عرف را صرفاً ابزار شناخت موضوع ندانسته‌اند و به کاربردهای ابزاری عرف در استنباط احکام نیز قائل‌اند، یکی از شایع‌ترین کاربردهای آن را در تفسیر و تبیین ادله و اسناد معتبر شرعی دانسته‌اند. به‌عنوان مثال، به مناطها، روابط و مناسبت‌هایی که در دید عرف میان حکم و موضوع آن وجود دارد، توجه نموده‌اند. با این نگاه برداشت‌های عرفی از مناسبت حکم و موضوع یک ظهور جدید برای دلیل فراهم می‌آورد. لذا در صورت حجت دانستن آن برای اکتشاف برخی از اصول حاکم بر خانواده نیز می‌توان با بهره‌گیری از راه‌های معتبر یادشده، از نصوص موجود به برخی اصول دست یافت (نایینی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۱۹).^۱

۴-۱. استقرار

مقصود از استقرار، پی‌جویی فقیه از موارد فراوانی از ادله و احکام شرعی است تا از طریق آن به ملاکی واحد و مشترک از مصلحتی عام و معیار یا قانونی فراگیر، دست یابد تا براساس آن، در موارد جزئی داوری کند (علیدوست، ۱۳۹۰، ص ۴۰۸). تفاوت این روش با روش کشف ملاکات قطعی در این است که در روش کشف ملاک، اکتشاف ملاک مورد نظر شارع

۱. به‌عنوان مثال، آیه ۱۲۸ سوره نساء، صلح را در صورت نشوز زوج توصیه نموده، اما با توجه به اینکه پایداری خانواده، ایجاد انس و الفت و جلوگیری از طلاق مطلوب شارع است، می‌توان با استفاده از تنقیح مناط، توصیه نص قرآن به سازش را به مواردی که نشوز از جانب زن صورت می‌گیرد هم، گسترش داد؛ چرا که وصف جنسیت در این آیه، به‌طور قطع، وصف غیرمؤثر است و بدین ترتیب، می‌توان به اصل کلی «صلح و سازش» در حریم خانواده دست یافت.

از طریق تأمل در یک یا چند نص و سند نقلی ملحوظ - بدون استقرا - و با هدایت عقل بود؛ در حالی که در روش استقرا، اکتشاف مصلحت یا قانون عام بر بنیان استقرا و پی‌جویی از موارد خُرد است.

اهمیت استقرا در کشف اصول و قوانین عام، تا حدی است که فقیهی اخبارگرا چون صاحب‌حدائق، اکثر قواعد شرعی را حاصل از استقرا می‌داند (بحرانی، ۱۳۷۶ق، ج ۱۲، ص ۳۲) و شهید صدر آن را یکی از دو راه عقلی برای اکتشاف مناطات احکام برمی‌شمرد (صدر، ۱۴۱۸ق، ص ۳۰۴ و ۳۰۵). ایشان پس از تعریف دلیل استقرایی، به دلیلی که بر مبنای قرائن ناقص بوده و قوت خود را از اجتماع این قرائن به دست آورده بود، تواتر را نیز از اقسام آن بر شمرده‌اند؛ چرا که در آن، افزایش مخبرین موجب افزایش اطمینان فرد به خبر آنها می‌شود تا به درجه علم برسد. ایشان سپس مبنای استقرا در احکام را در دو زمینه برآورد می‌کند که یکی استقرای مستقیم است و دیگری غیرمستقیم. استقرای مستقیم (استقرای در احکام) که به بحث ما مربوط است، عبارت است از اینکه موارد فراوانی از احکام شرعی را بررسی کرده، آنها را در جهت‌گیری و ملاک واحدی مشترک می‌یابیم و بنابراین قاعده‌ای کلی در شریعت اسلامی را از این طریق کشف می‌کنیم (همو، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶۲).^۱ اما آیا اگر استقرا مفید ظن اطمینانی شد نیز حجیت دارد؟ شهید صدر طی بحثی، ظن اطمینانی را نیز مانند قطع حجت دانسته است؛ بدین بیان که از بین وسایل احراز وجدانی اگر بخواهیم درجه وثوق دلیل عقلی را بررسی کنیم، به سه درجه برخورد خواهیم کرد: ۱. قطع که حجیت آن بلذات است؛ ۲. ظن که مطلق آن حجیتی ندارد؛ ۳. ظن اطمینانی که اگر آن را به منزله قطع

۱. مثالی که ایشان برای این‌گونه استقرا ذکر کرده‌اند، استفاده صاحب‌حدائق در احکام مختلف برای استنتاج «قاعده معذوریت جاهل» در شرع است؛ بدین صورت که ایشان از حالات جزئی مختلفی که در ابوابی نظیر صلا، صوم، نکاح، حدود و ... یافته، به آن قاعده جزئی رسیده است. پس با اینکه هر حالتی از حالات جزئی به‌تنهایی قرینه‌ای ناقص است، با تجمع آنها در ضمیر فقیه، احتمال قاعده عام افزایش می‌یابد و مورد وثوق او می‌گردد. از این امر دانسته می‌شود که استقرا حجت بالعرض است، مانند شهرت و اجماع و فی‌حدنفسه حجت نیست.

بدانیم (دارای حجیت ذاتی عقلی تنجیزی و تعدیری)، مشکلی در میان نخواهد بود؛ وگرنه برای حجیت آن محتاج دلیل خواهیم بود و در این صورت، دلیل ما سیره عقلایی است که با تقریر معصوم امضا شده است؛ چرا که سیره عقلایی چنین بوده است که با ظن اطمینانی، معامله قطع می‌کرده‌اند (همو، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۶۶۴). اعمال این روش، علاوه بر داشتن خبرویت و احاطه به ابواب مختلف فقهی، محتاج دید کل‌نگر به فقه است.

در حوزه خانواده نیز، به نظر می‌رسد که روش اکتشاف برخی از اصول حاکم بر خانواده، نظیر اصل «تقدم مصالح خانواده بر منافع فردی» و همچنین اصل «تحکیم خانواده»، روش استقرار است؛ به‌عنوان مثال، درخصوص اصل تقدم مصالح خانواده بر منافع فردی، باید گفت در نظام خانواده، شارع مقدس اصل ورود خیرات را به این کانون، رعایت مصالح عام نسبت به مصالح فرد می‌شمارد. تأمل در راهکارهای اصولی در برخی ناملايمات در زندگی مشترک، موجب سرازیر شدن خیرات و عنایات پروردگار است که لازمه آن چشم‌پوشی زن و مرد از منافع و مصالح شخصی است. اصل مذکور را می‌توان با استقرای در بسیاری از آیات و روایات حوزه خانواده، که تنها به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود، اکتشاف نمود.^۱

۱. «فان کرهتموهن فعمسی ان تکرهواشیئا ویجعل الله فیہ خیرا کثیرا»: و اگر آنها را خوش ندارید، چه بسا چیزی را که خوش نمی‌دارید، خداوند در آن خیر بسیار مقدر کرده باشد (النساء، ۱۹)؛ مردی نزد پیامبر آمد و گفت: من خانواده‌ای دارم که به آنان نیکی می‌کنم و آنها به من بدی می‌کنند. با آنان ارتباط برقرار می‌کنم ولی آنها از من دوری می‌کنند. رسول خدا (ص) فرمود: به بهترین وجه رفتار آنان را پاسخ ده تا دشمنی بین تو و آنان به دوستی تبدیل گردد (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۷۱، ص ۴۱۵)؛ پیامبر اکرم (ص) فرمود، «کسی که بر بد خلقی زنش صبر کند، خداوند پاداشی مانند آنچه به داوود (ع) به‌خاطر گرفتاری‌هایش داد، به او می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷)؛ امام رضا (ع) فرمودند: «زنان چند گروه‌اند... پس هر مردی که همسر صالح نصیبش شود، سعادت‌مند گردیده و هرکس صاحب زن بدی شود، همانا آزمایش شده و نباید انتقام بگیرد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۶۱؛ مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰۳، ص ۲۳۴)؛ مالک بن اعین می‌گوید: «روزی نزد امام باقر (ع) رفتم و ایشان را ملاقات کردم در حالی که پوششی به رنگ قرمز تند بر تن داشت. هنگام ورود خنده‌ام گرفت. حضرت فرمود: «گمان می‌کنی نمی‌دانم چرا می‌خندی؟ تو از این لباسی که بر تن دارم خنده‌ات گرفته است. همانا همسر از من تقاضا کرده آن را بپوشم و من به دلیل آنکه همسر را دوست دارم، علی‌رغم میل خود آن را پوشیده‌ام» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۶۶۰).

۱-۵. تشخیص و تفکیک قضایای حقیقی از قضایای خارجی^۱

در بررسی برخی نصوص، از جمله در حوزه خانواده، در بسیاری موارد از مصادیق به ظاهر فردی و جزئی‌ای بحث شده که در نگاه نخست، به نظر می‌رسد مخاطب این آیه یا روایت، خاص بوده و نص به صورت یک قضیه خارجی در خصوص رویداد خاصی است؛ لیکن در این گونه موارد، نباید به اتکای ظاهر جزئی، نص مذکور را در اکتشاف یک اصل کلی کنار گذاشت؛ چرا که ممکن است در عین جزئی بودن، پرسش یا شأن نزول آن، یک قانون کلی بیان شود که قابلیت انطباق بر افراد متعددی را داشته باشد. با کشف قضایای حقیقیه در متون دینی، به خوبی بعضی از اصول و ملاکات قانون‌گذاری الهی مشخص می‌شود؛ زیرا با بیان قانون کلی بعد از نقل مورد جزئی، معلوم می‌شود که کدام جنبه قضیه خارجی، اساس صدور حکم کلی قرار گرفته است؛ یعنی شارع علاوه بر پاسخ به آن شخص یا واقعه خاص، به ما نشان می‌دهد که مبنای حکم او چه بوده است و بدین ترتیب ما را قادر می‌سازد که با استفاده از این قضایای کلی، روح و اصول قوانین اسلامی را درک و اصول و قوانین کلی را اکتشاف نماییم.^۲

۱. هرگاه در قضیه‌ای، افراد موجود در خارج، موضوع حکم قرار داده شوند، اصطلاحاً به آن قضیه خارجی می‌گویند؛ مانند اینکه گفته شود تمام افراد سپاه کشته شدند: «کل من فی العسکر قُتل». حکم در این قضیه که عبارت است از همان کشته شدن، مترتب است بر افرادی از سربازان که در جنگ شرکت داشته‌اند و به‌طور عینی در آن صحنه پیکار، حضور خود را حفظ کرده‌اند؛ رک. ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. به‌عنوان مثال، در آیات اول و دوم سوره مجادله، نخست مشکل زنی مطرح می‌شود که از همسر خود نزد پیامبر شکایت می‌کند؛ لذا در ظاهر با یک قضیه خارجی روبرو هستیم؛ اما زمانی که آیه نازل می‌شود و رفتار همسر او را رد می‌کند، از صیغه جمع استفاده می‌شود و بدین ترتیب، تمام مردانظهارکننده مورد خطاب واقع می‌شوند و «...مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ...» به کلام قبیح گویند (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۴۲) که در شریعت جایگاهی ندارد (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۴۱۰) و مورد تأیید قرار نگرفته باشد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۲۵۴). «زُورًا» به معنای دروغ بودن است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۷۲) و بیان دروغ به‌گونه‌ای است که طرف مقابل گمان می‌کند این کلام راست است (عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۲۶۷) و ارتباط آن باظهار این است که مرد به دروغ، خطاب به همسرش می‌گوید: پشت تو همانند پشت مادرم بر من است؛ همان‌طور که مادر بر من حرام است تو نیز حرامی (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۴۲). بنابراین این نوع کلام دروغی باطل و به دور از حقیقت می‌باشد (طبرسی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۱۹).

یافته‌های پژوهش

شناسایی هر گزاره‌ای، اعم از شرعی یا غیرشرعی، مستلزم پیمودن فرآیند یا عملیاتی است که این فرآیند جهت تحقق، نیازمند بهره‌گیری از روش‌هایی به‌عنوان ابزار شناسایی است. استنباط اصول حاکم بر خانواده نیز نیازمند تبیین یک فرآیند شناسایی و همچنین روش ابزارهای تحقق این فرآیند می‌باشد. در این پژوهش، با کمک مبانی شهید صدر در فرآیند اکتشاف یا حرکت از روبنا به زیربنا در استنباط مکتب اقتصادی اسلام، کمتر مورد توجه نویسندگان حوزه خانواده قرار گرفته است. علمای اسلام سعی در تعمق بیشتر در آیات و روایات داشته و کوشش نموده‌اند تا به روش‌شناسی ویژه و نوینی برای ادراک دین دست یابند؛ اما این روش‌ها که در قالب کتب اصول فقه جمع‌آوری شده، کمتر به قواعدی که در استنباط حکم در بعد اجتماعی کمک می‌کنند، پرداخته و به‌طور خاص، به حوزه خانواده می‌پردازد؛ در حالی که اگر دین می‌خواهد در عرصه‌های کلان اجتماعی ایفای نقش کند، شناخت تک‌گزاره‌ها به تنهایی کارساز نیست و باید تا حد امکان، در قالب یک نظام کلی، شناسایی شود. با توجه به نظر شهید صدر، اگرچه مجموعه گزاره‌های معرفتی اسلام، در «نفس الامر» دارای ساختاری نظام‌مند و منسجم هستند، مبانی و بنیان‌هایی که جهت‌گیری‌های کلی این نظام و موضع‌گیری‌ها را نشان می‌دهند، در هیچ کدام از متون دینی، به‌صورت طبقه‌بندی شده و منظم تبیین نشده‌اند. اما چون احکام الهی، اعم از احکام فقهی و اخلاقی‌ای که در چارچوب خرده‌نظام‌های ارزشی و حقوقی قرار می‌گیرند، «تجسم» این بنیان‌ها و جهت‌گیری‌ها می‌باشند، می‌توان از طریق این گزاره‌ها، به اصولی منسجم در همه حوزه‌ها، از جمله حوزه خانواده دست یافت.

منابع

- قرآن کریم.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۱۵ق). کفایه الاصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.

- ابراهیمی دینانی، محمدابراهیم (۱۳۸۰). قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، جلد ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱)، فقه تربیتی، مبانی و پیش‌فرض‌ها. قم: مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان.
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۳۷۶ق). الحقائق الناظره، جلد ۱۲. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- تفتازانی، سعدالدین (بی‌تا). شرح المختصر، جلد ۱. قم: دار الحکمه.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جبعی العاملی، زین‌الدین (۱۴۱۱ق). الروضه البهیة فی الشرح اللمعه الدمشقیه. بیروت: دارالفکر، چاپ سوم.
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۰). منابع اجتهاد. تهران: کیهان، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). تفسیر تسنیم، جلد ۱. قم: اسراء، چاپ دوم.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۰۷ق). الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۶). فلسفه حقوق خانواده، جلد ۱ و ۲. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- _____ (۱۳۹۳). «قواعد بنیادین در حقوق و روش‌شناسی احراز و توسعه آنها». حقوق اسلامی، شماره ۴۲.
- رجحان، سعید (۱۳۹۱). اصول علم فقه. تهران: دانشگاه امام صادق^(ع)، چاپ پانزدهم.
- _____ (۱۳۹۰). مبانی استنباط احکام در حقوق اسلامی و حقوق موضوعه، جلد ۱. تهران: دانشگاه امام صادق^(ع)، چاپ دوم.
- زحیلی، وهبه، (۱۴۱۸ق). الفقه الاسلامی و ادلته، جلد ۲. دمشق: دار الفکر، چاپ چهارم.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۲). الگوی جامع شخصیت زن مسلمان. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین (۱۳۹۰). نهج‌البلاغه. مشهد: عروج اندیشه، چاپ دوم.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۷). روش نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی از منظر شهید صدر. تهران: اندیشه نوین دینی.
- شهابی، محمود (بی‌تا). تقریرات اصول. تهران: بروکه، چاپ دوم.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق). اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

- _____ (۱۴۱۸ق). دروس فی علم الاصول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
- _____ (۱۴۱۲ق). المعالم الجدیدة. بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۹ق). مجموعه آثار، جلد ۳. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: الاعلمی.
- _____ (۱۴۲۰ق). جوامع الجامع. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طوسی، محمد (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: احیاء التراث العربی.
- عسکری، ابی هلال (۱۴۱۲ق). معجم الفروق اللغویة. قم: اسلامی.
- عظیمی گرکانی، هادی (۱۳۹۱). «معناشناسی تنقیح مناط؛ مقارنه با مفاهیم مشابه و روش شناسی آن». مطالعات اسلامی، ۴۴(۹۰)، ص ۱۲۷-۱۵۳.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۰). فقه و مصلحت. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۴). روش و بینش در سیاست. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول.
- گلابی، سیاوش (۱۳۶۹). توسعه منابع انسانی در ایران، جامعه شناسی توسعه ایران. تهران: نشر فردوس.
- لویون، گوستاو (۱۳۸۶). آرا و معتقدات. ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۴ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. بیروت: مؤسسه الوفا.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۵). مبانی استنباط حقوق اسلامی. تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهل و پنجم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۶ق). انوار الاصول، جلد ۳. قم: نسل جوان، چاپ اول.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۰). اصول فقه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مغنیه، محمدجواد (۱۹۹۰م). التفسیر الکاشف، جلد ۱. بیروت: دار العلم للملایین.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۴۰۰). اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن. تنظیم و تحقیق اصغر آقامهدوی، تهران: دانشگاه امام صادق^(ع).
- مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۸۸). ساختار گزاره های اخلاقی قرآن (رویکردی معناشناختی). تهران: دانشگاه امام صادق^(ع)، چاپ دوم.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ق). کتاب الطهاره. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- میرمعزی، سید حسین و نظریان مفید، محمدتقی (۱۳۹۸). «کارایی روش شهید صدر در کشف نظریه اسلامی عدالت اقتصادی». اقتصاد اسلامی، ۱۹(۷۵)، ص ۲۹-۵.

- نایینی، محمدحسین (۱۴۱۸ق). منیه الطالب فی شرح المکاسب، جلد ۳. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام.
- وزیری، مجید (۱۳۸۷). «روش‌شناسی کشف قواعد فقهی در فقه امامیه». فصلنامه فقه و مبانی حقوق، ۴(۱۲)، ص ۱۲-۳۵.

